

مَثَل گنج در زمین و مروارید گران بها

دکتر توماس کین

این دو حکایت یقیناً ساده‌ترین و از کوتاه‌ترین مثل‌های عیسی هستند، اما با وجود تعداد کم کلماتشان بارها به ما تلنگر می‌زنند. چرا این مَثَل‌ها تا این حد در ذهن می‌مانند؟ چون آنها با تخیل خدادادی ما ارتباط برقرار می‌کنند. برای اینکه درک کنیم موضوع از چه قرار است، نیازی به مدرک و مدارج الهیاتی نداریم. اما اگر تا به حال در حیات خلوت خانه‌ی خود مثل نارنیا به دنبال یک عتیقه‌ی گمشده گشته‌اید یا گردوغبار زیر شیروانی را کنار زده‌اید تا آن را پیدا کنید یا به سادگی به خودتان گفته‌اید، "آه، آیا راه بهتری برای پیدا کردن آن وسیله‌ی قدیمی وجود دارد؟" آن وقت شما به خوبی برای شنیدن این حکایاتی که مسیح می‌گوید آماده هستید. عیسی می‌خواهد ذهن ما این سؤال را برایمان مطرح کند: "اگر آن چیز غیرممکن را پیدا کنم چه کار خواهم کرد؟" بعد او به یاد ما می‌آورد که ما آن را یافته‌ایم و آن ملکوت آسمان است.

این دو مثل بسیار جذاب هستند چون همه‌ی ما "جستجو" را تجربه کرده‌ایم. شاید به دنبال چیزی که از گذشتگان به ما رسیده بوده، یا در جستجوی راهی برای پرداخت هزینه‌های دانشگاه بوده‌ایم و یا حتی به دنبال آن فنجان قهوه که طرح گل کاری داشته بوده‌اید، در هر حال می‌دانید جستجو کردن چیست. تجربیات عمومی بشر بر اساس جستجو و اکتشاف بوده و همین موضوع نقطه‌ی آغاز این دو حکایت است. حالا تصور کنید که جستجوی شما به یک کشف باشکوه که می‌تواند تغییراتی را ایجاد کند بیانجامد، خوشبختانه این دو مَثَل هم دنیایی را که جستجو در آن بی‌حاصل باشد نشان نمی‌دهد. برعکس، این اکتشاف به شکلی غیرمنتظره پر

جلال است. این همان چیزی است که عیسی از ما می‌خواهد در حین شنیدن این دو مَثَل تصوّر کنیم و مورد بررسی قرار دهیم: اگر جستجوی شما یک یافته‌ی مهم را دربر داشته باشد چه می‌کنید؟

این سؤال ما را به طرف نکته‌ی اصلی این مَثَل‌ها هدایت می‌کند. هرچند بستر این روایت، استعاره‌ای از جستجو و کشف کردن بسیار شگفت‌انگیز است، تأکید اصلی بر بهایی است که برای آن داده می‌شود. مَثَل گنج را در نظر داشته باشید، امکان پیدا کردن گنجی دفن شده در یک مزرعه نادر بود، اما در دنیای باستان کاملاً دور از ذهن نبود. با توجه به عدم وجود صندوق امانات و سیستم‌های هشدار امنیتی، امن‌ترین مکان برای حفاظت از چیزهای باارزش می‌توانست "لابه‌لای تشک" باشد. اما عیسی بدون علاقه به جزئیات، توجه و تأکیدش بر بهایی است که شخصی که در پی گنج است حاضر است بدهد و موضوع با اهمیت برای عیسی کاملاً مشخص است. به دست آوردن گنج برای آن مرد به بهای از دست دادن همه چیز است ولی او حتی یک لحظه نیز درنگ نمی‌کند. او با انگیزه عمل می‌کند، با اشتیاق و پرتوان، در "شادی" (متی ۱۳: ۴۴).

زیبایی و شکوه ملکوت چنان است که هرکس آن را می‌یابد و متوجه اهمیت آن می‌شود، در واکنش به آن با شادی و بدون احساس از دست دادن حاضر است برای آن هرچیز را قربانی کند.

مَثَل مروارید گران‌بها شگفت‌انگیزتر و چالش‌برانگیزتر به نظر می‌رسد. در ظاهر ممکن است به نظر برسد که در این مَثَل اتفاق جدیدی نمی‌افتد که در اولی بیان نشده باشد. در هر دو مَثَل، آنها که در جستجوی گنج هستند برای به دست آوردن آن همه‌چیز خود را به حراج می‌گذارند. اما به نظر می‌رسد مَثَل مروارید کمی پیچیده‌تر است. عملکرد تاجر در این مَثَل کمی غیرمنطقی به نظر می‌رسد. او در فروش اموالش برای به دست آوردن چیزی باارزش‌تر نه فقط همه‌ی دارایی بلکه موجودی مرواریدها و جواهرات خود را هم به حراج می‌گذارد تا تنها یک مروارید را بخرد. شاید این یک تجارت سالم به نظر نرسد. کاری که او انجام می‌دهد به خوبی نشان می‌دهد

هدفش از بودن در تجارت مروارید پولدار شدن نیست. او به دنبال مروارید است و حالا آن را یافته. او در واقع یک تاجر نیست، بلکه یک جمع‌آورنده‌ی مروارید است و داشتن این مروارید برای او به معنی داشتن تنها مروارید مهم است. چرا این تاجر همه چیز را فروخت تا (بی‌خانمان) شود و به یک مروارید دست یابد؟ به خاطر علاقه‌ای که به آن مروارید داشت. برای شادی داشتن آن. این پیچیدگی مثال دوم است؛ گویا تاجر انگیزه‌ی مالی کمتری نسبت به آن کارگر مزرعه دارد، او همه چیز را فدا می‌کند، نه به امید داشتن درآمد مالی بیشتر، بلکه برای لذتی ساده از داشتن یک مروارید.

بنابراین، این مثل‌ها ما را فرامی‌خوانند تا محبت خود را نسبت به ملکوت آسمان در نظر بگیریم. با اشاره کردن به گنج، عیسی از ما می‌خواهد در دیدگاه خود نسبت به چیزهایی که برایمان ارزشمند هستند تجدیدنظر کنیم. آیا محاسبات ما در مورد امور این جهان و آخرت درست هستند؟ آیا برای به دست آوردن چیزی بی‌نهایت بهتر حاضر به قربانی کردن تمام خوبی‌های دنیا هستیم؟ اما او سؤالی سخت‌تر می‌پرسد: آیا گذشتن از گنج‌ها و مرواریدها نشان از محبت خالص نسبت به ملکوت است؟ گنج، اشاره به ارزش‌ها و دیدگاه ما دارد، آیا ملکوت او برای ما ارزشمندترین است؟ و مروارید که اشاره به عمق قلب و اراده‌ی ما است: آیا در عمق جان ما ملکوت او استقرار دارد.

دکتر توماس کین، استادیار عهدجدید و مدیر بخش آکادمیک در دانشگاه الهیات ریفورمد در واشنگتن دی.سی. می‌باشند.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.

زیبایی و شکوه ملکوت خدا چنان است که هرکس آن را می‌یابد و متوجه اهمیت آن می‌شود، در واکنش به آن با شادی و بدون احساس از دست دادن حاضر است برای آن هر چیز را قربانی کند.